

گزارش

محمدسعید ایزدی، استاد دانشگاه، درباره الزامات بازسازی پس از جنگ به «شرق» توضیح داد

بازسازی فقط ساختن دوباره نیست، فرصتی است برای اصلاح شهر



شرق: بازسازی پس از جنگ فقط به ترمیم ساختمان‌های آسیب‌دیده محدود نمی‌شود؛ این فرایند می‌تواند به فرصتی برای بازنگری در الگوهای ساخت‌وساز، اصلاح جانمایی کاربری‌های شهری، ارتقای ایمنی ساختمان‌ها و حتی بازتعریف رابطه میان هویت محلات و توسعه شهری تبدیل شود. محمدسعید ایزدی، استاد دانشگاه، معتقد است بازسازی زمانی موفق خواهد بود که فراتر از جبران خسارت‌های کالبدی، به ضعف‌های ساختاری و برنامه‌ریزی شهری نیز توجه کند. بازسازی از نگاه ایزدی، فرایندی چندبعدی است که نمی‌توان برای آن نسخه‌ای واحد پیچید. به گفته او، نوع ساختمان، کاربری، مقیاس بنا و میزان خسارت واردشده از مهم‌ترین عواملی هستند که شیوه بازسازی را تعیین می‌کند. بازسازی یک واحد مسکونی در یک مجتمع آپارتمانی یا بازسازی یک مجموعه تجاری، صنعتی یا آموزشی تفاوت‌های اساسی دارد و هرکدام نیازمند رویکرد و دستورالعمل‌های خاصی خود هستند.

او تأکید می‌کند میزان تخریب نیز عامل تعیین‌کننده دیگری است. در برخی موارد، ساختمان فقط به ترمیم و اصلاحات کالبدی نیاز دارد، اما در مواردی دیگر، آسیب‌ها به حدی است که تجدید ساخت یا حتی جابه‌جایی بنا اجتناب‌ناپذیر می‌شود. به همین دلیل نمی‌توان همه ساختمان‌های آسیب‌دیده را با یک الگوی واحد بازسازی کرد.

هویت محله‌ها؛ حلقه‌گمشده بازسازی

ایزدی معتقد است بازسازی نباید صرفا به مباحث فنی و سازه‌های محدود شود. تجربه بازسازی پس از زلزله‌ها نشان داده است ساختمان‌ها، کوچه‌ها و محله‌ها حامله خاطرات جمعی و عناصر هویتی ساکنان هستند و از بین رفتن این مؤلفه‌ها می‌تواند آسیب‌های اجتماعی بلندمدتی ایجاد کند. به باور او، همان‌قدر که استحکام سازه اهمیت دارد، حفظ هویت محله‌ها نیز مهم است. بازسازی باید بتواند ضمن تأمین ایمنی، پیوند ساکنان با محیط زندگی خود را حفظ کرده و از گسست هویت محلی جلوگیری کند.

فرصتی برای اصلاح ضوابط ساخت‌وساز

این استاد دانشگاه معتقد است بحران اخیر می‌تواند فرصتی برای بازنگری در برخی کاستی‌های نظام ساخت‌وساز کشور باشد. او به تجربه کشورهای دیگر اشاره می‌کند که در آنها حتی ساختمان‌های مسکونی معمولی به فضاهای امن و پناهگاه مجهز هستند؛ موضوعی که در کاهش تلفات انسانی نقش مهمی ایفا کرده است.

به گفته ایزدی، در ایران نه‌تنها ساختمان‌های مسکونی، بلکه بسیاری از ساختمان‌های عمومی نیز فاقد فضاهای ایمن متناسب با شرایط بحرانی هستند. از این رو بازسازی باید با اصلاح مقررات ساختمانی و بازنگری در استانداردهای ایمنی همراه شود. او همچنین یادآوری می‌شود در بسیاری از ساختمان‌های آسیب‌دیده، برخلاف زلزله، سازه اصلی تخریب نشده و بیشترین خسارت به اجزای غیرسازه‌ای مانند دیوارهای برکننده، پنجره‌ها و نماها وارد شده است. به اعتقاد او، تدوین دستورالعمل‌های اجرایی جدید می‌تواند از تکرار این نوع خسارت‌ها در آینده جلوگیری کند.

بازسازی یک مدرسه با یک بیمارستان یکسان نیست

ایزدی بر ضرورت تفکیک ساختمان‌ها براساس نوع کاربری در فرایند بازسازی تأکید می‌کند. او می‌گوید همان‌گونه که در مرحله ساخت، مدارس، بیمارستان‌ها، ساختمان‌های اداری و سایر کاربری‌ها دارای ضوابط متفاوت هستند، در مرحله بازسازی نیز باید استانداردهای اختصاصی برای هر گروه تعریف شود.

به گفته او، هر چند دستگاه‌های مختلف برای ساخت ساختمان‌های تحت مسئولیت خود دستورالعمل‌های تخصصی دارند، اما مشخص نیست بازسازی پس از بحران نیز به همین شکل در دستور کار آنها قرار گرفته باشد. این در حالی است که طبقه‌بندی ساختمان‌ها براساس میزان حساسیت و اهمیت عملکردی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در اولویت‌بندی و نحوه بازسازی داشته باشد.

بازنگری در جانمایی کاربری‌های شهری

ایزدی معتقد است اگرچه در بسیاری از موارد نیازی به جابه‌جایی گسترده کاربری‌ها وجود ندارد، اما بازسازی می‌تواند فرصتی برای اصلاح برخی تصمیم‌های نادرست گذشته باشد. او از سیاست‌هایی انتقاد می‌کند که به تمرکز مجموعه‌های بزرگ آموزشی در یک نقطه شهری منجر شده‌اند و معتقد است این رویکرد با اصول شهرسازی و حتی ملاحظات تربیتی سازگار نیست. به گفته او، مراکز آموزشی باید متناسب با مقیاس عملکردی خود در شهر توزیع شوند؛ دبستان‌ها در سطح محله، مدارس متوسطه در مقیاس ناحیه و مراکز بزرگ آموزشی در سطح منطقه. اما در عمل، این سلسله‌مراتب به هم خورده و بسیاری از کاربری‌های بزرگ در دل محلات مسکونی مستقر شده‌اند. او تأکید می‌کند این مسئله فقط به مشکلات ترافیکی و برهم‌خوردن مقیاس محله محدود نمی‌شود، بلکه از منظر پدافند غیرعامل نیز اهمیت دارد. تجربه اخیر نشان داده است هم‌جواری برخی کاربری‌های حساس با ساختمان‌های مسکونی می‌تواند مخاطرات جدیدی ایجاد کند و این موضوع باید در بازنگری‌های آینده مورد توجه قرار گیرد.

بازسازی نیازمند مدیریت فرابخشی است

ایزدی معتقد است مدیریت بازسازی نمی‌تواند در اختیار یک دستگاه واحد باشد. به باور او، در سطح سیاست‌گذاری باید یک نهاد فرابخشی مسئول هماهنگی و تصمیم‌گیری باشد؛ نهادی که بتواند همه دستگاه‌های مرتبط را در کنار یکدیگر قرار دهد و از طریق کمیته‌های تخصصی به جمع‌بندی مشترک برسد.

در سطح اجرایی نیز هر وزارت‌خانه باید مسئول تدوین ضوابط و الزامات حوزه تخصصی خود باشد؛ وزارت بهداشت برای مراکز درمانی، وزارت آموزش و پرورش برای مراکز آموزشی و سایر دستگاه‌ها نیز در حوزه مأموریت خود. در کنار آن، نهادهایی مانند سازمان نظام مهندسی می‌توانند مسئولیت نظارت کیفی بر اجرای فرایند بازسازی را بر عهده بگیرند.

از نگاه این استاد دانشگاه، بازسازی موفق زمانی محقق می‌شود که سه سطح سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت به صورت هماهنگ عمل کنند؛ رویکردی که نه‌تنها ساختمان‌های آسیب‌دیده را احیا می‌کند، بلکه می‌تواند به اصلاح بخشی از کاستی‌های انباشته‌شده در نظام شهرسازی و ساخت‌وساز کشور نیز منجر شود.

نورا حسینی: دانشتیم زندگی عادیمان را می‌کردیم؛ هرچند سخت. اما از بامداد ۲۳ خرداد، زندگی دیگر عادی نبود. نمی‌دانم این وضعیت قرار است تا چه زمانی ادامه پیدا کند، اما از جنگ ۱۲روزه تا جنگ ۲۰روزه، تهران یکی از مقاصد اصلی حمله‌های هوایی بوده است. صدای انفجارها، آسمانی که گاهی قرمز می‌شد و کاهی سیاه. حالا در فهرست بلند مخاطرات تهران، جنگ هم اضافه شده است.

شهرداری که در آغاز تکلیفی در این زمینه نداشت، اما در ادامه مسئولیت جبران خسارت‌های جنگ را در تهران پذیرفت. در شهری که در آن قدم بزنی، چهره تهران شبیه شهرهای جنگ‌زده نیست، اما در جنگ ۱۲روزه و ۲۰روزه هنوز در برخی نقاط شهر قابل مشاهده است. بیشتر خانه‌های تخریب‌شده در حال ساخت هستند، اما خانه‌هایی هم هستند که هنوز ساخته نشده‌اند.

مظهر محمدخانی، سخنگوی شهردار تهران، در گفت‌وگو با «شرق» در تشریح عملکرد مدیریت شهری پس از جنگ ۱۲روزه تأکید می‌کند شهرداری تهران تمام مسئولیت‌هایی را که در آن مقطع به‌صورت داوطلبانه پذیرفته بود، به سرانجام رسانده است. او می‌گوید: در جنگ ۱۲روزه، شهرداری تمام تعهدات و تکالیفی را که داوطلبانه پذیرفته بود، بی‌کم‌وکاست انجام داده است. به‌طور مشخص فقط بازسازی یک ساختمان به سرانجام نرسیده که در این مورد نیز مالکان با پیمانکاران به توافق نرسیدند. اگرچه در برخی پرونده‌ها میان مالکان و پیمانکاران اختلاف‌نظرهایی وجود داشت، اما شهرداری نقش میانجی را ایفا و تلاش کرده است روند بازسازی متوقف نشود. محمدخانی توضیح می‌دهد: شهرداری میان مالکان و سازندگان تفاهم ایجاد کرد، صدور پروانه و تأیید نقشه‌ها را انجام داد و مسیر بازسازی را تسهیل کرد. ساختمان‌های باقی‌مانده از جنگ ۱۲روزه عمدتا اداری و متعلق به مراکز نظامی یا دستگاه‌های دولتی هستند و ارتباطی با شهرداری ندارند.

درس‌هایی که تهران گرفت

تهران در جنگ ۱۲روزه درس‌های زیادی گرفت. ساکنان شهر متوجه می‌شدند برای پناه و حفظ جان، در نبود هشدار و پناهگاه، ناچار به ترک شهر هستند. هم‌زمان این تجربه نشان می‌داد برخی نقاط تهران در صورت وقوع جنگ، آسیب‌پذیرتر از سایر بخش‌ها هستند؛ به‌ویژه همسایگان پادگان‌ها و مراکز نظامی که احساس امنیت کمتری داشتند. فهرست اماکن پرخطر نیز صرفا یک فهرست روی کاغذ نبود. تجربه انبار نفت شهران نشان می‌داد هشدارهای سال‌های گذشته درباره جابه‌جایی انبارهای سوخت بی‌دلیل نبوده است و اگر اقدامات ایمن‌سازی انجام نمی‌شد، ابعاد یک فاجعه احتمالی می‌توانست بسیار سنگین‌تر باشد.

سخنگوی شهردار تهران، با اشاره به اقدامات مدیریت شهری در حوزه آمادگی برای شرایط بحرانی و جنگی، می‌گوید: شهردار تهران شخصا ایده مطرحی، ارائه و تصویب «طرح تفصیلی زیرزمینی شهر تهران» را مطرح کرده است؛ طرحی که با گفته او یکی از نقاط مغفول در دهه‌های اخیر مدیریت شهری بوده است. او ادامه می‌دهد: تهران با وسعت ۷۲۰ کیلومتر مربع، در طرح جامع و طرح تفصیلی فعلی فقط برای سطح زمین برنامه‌ریزی شده و برای زیرزمین شهر، تاکنون برنامه‌ریزی جامع و منسجمی وجود نداشته است؛ موضوعی که با توجه به شرایط و تهدیدهای موجود، نیازمند تدوین و پیگیری جدی است.

محمدخانی ادامه می‌دهد: در لایه دو، بازتعریف وظایف شهری مطرح است، اقدامی که در بسیاری از سازمان‌های تخصصی آغاز شده است. همچنین تلاش شده نگاه قرارگاهی در این حوزه نیز حاکم شود و قرارگاه‌های مختلف متناسب با شرایط تهدیدمحور موجود در حال فعالیت هستند.

احتمال زیرزمینی شدن برخی پادگان‌ها

محمدخانی در پاسخ به پرسشی درباره بازنگری طرح تفصیلی شهر تهران برای جانمایی مراکز نظامی و امنیتی می‌گوید: شهردار تهران مأموریتی به معاونت شهرسازی داده تا بخشی از طرح تفصیلی و همچنین طرح تفصیلی زیرزمینی شهر تهران مورد بازنگری قرار گیرد. بخشی از این بازنگری مربوط به جانمایی و لکه‌گذاری فضاهایی است که بتوانند برای برخی فعالیت‌ها و نیازهای نظامی مورد استفاده قرار گیرند. او ادامه می‌دهد: این موضوع با تعامل مجموعه‌های نظامی و با توجه به شرایط خاص کشور و استمرار تهدیدهای دشمن در حال پیگیری است. البته نباید این‌گونه برداشت شود که قرار است در کوتاه‌مدت جابه‌جایی گسترده‌ای در مراکز و پادگان‌های نظامی انجام شود.

سخنگوی شهردار تهران ادامه می‌دهد: بحث اصلی، جبران یک عقب‌ماندگی دو تا سه‌دهه‌ای در طرح جامع و طرح تفصیلی شهر تهران است. در این اسناد، نگاه به زیست شهری در شرایط تهدید به شکل جدی دیده نشده و اکنون لازم است این موضوع بازنگری شود تا با همسکاری مجموعه‌های نظامی و با رعایت اصول پدافند غیرعامل، چارچوب مناسبی برای استقرار این مراکز تعریف شود. او در پاسخ به پرسشی درباره تجربه تغییر کاربری برخی اراضی نظامی نیز می‌گوید: برخلاف برخی برداشت‌ها، تجربه تعامل شهرداری با مجموعه‌های نظامی تجربه ناموفقی نبوده است. برخی از پرونده‌ها مربوط به دو یا سه دهه قبل بوده‌اند که در همین دوره مدیریت شهری به نتیجه رسیده‌اند.

محمدخانی اضافه می‌کند: در این موارد نیز همه اراضی به کاربری مسکونی تبدیل نشده‌اند. براساس توافقات انجام‌شده و مجوزهای پیش‌بینی‌شده در طرح جامع، بخشی از اراضی به فضاهای عمومی اختصاص یافته و بخشی نیز برای تأمین مسکن کارکنان همان مجموعه‌ها در نظر گرفته شده است. او ادامه می‌دهد: در بسیاری از این پروژه‌ها حداقل ۳۰ درصد فضا به کاربری عمومی اختصاص پیدا کرده است. حتی در مواردی که ساختمان‌های خدماتی شهرداری در این محدوده‌ها مستقر شده‌اند، سهم این فضاها نسبت به کل اراضی محدود بوده و در راستای ارائه خدمات عمومی به شهروندان تعریف شده است.

سخنگوی شهردار تهران تأکید می‌کند: در تعامل با مجموعه‌های نظامی، مشکل خاصی وجود ندارد و همکاری مناسبی میان طرفین برقرار است. در شرایط فعلی نیز وظیفه همه دستگاه‌ها کمک به یکدیگر است.

او یادآور می‌شود، این تصور که شهرداری به دنبال خراج‌کردن

گزارش «شرق» از یک سال پس از جنگ ۱۲روزه در تهران

تهران؛ شهری که دیگر عادی نیست



کسب‌وکارهایی در منطقه‌های گسترش‌یافته تهران

همه مراکز نظامی از شهر است، درست نیست. ممکن است برخی از این مراکز به فضاهای زیرزمینی منتقل شوند، برخی دیگر در نقاط مشخصی از شهر جانمایی شوند و همه این موارد در قالب بازنگری طرح تفصیلی و بر اساس مطالعات کارشناسی بررسی خواهد شد. در این روند هیچ اقدام شتاب‌زده‌ای وجود ندارد و همه تصمیمات بسا همراهی و مشارکت مجموعه‌های نظامی اتخاذ می‌شود.

خریده‌های جنگی تهران

تهرانی‌ها در دو جنگ تحمیلی، بیشترین صدای انفجار را شنیدند. شمار تخریب‌ها بالا بود، اما در فاصله‌ای کوتاه پس از هر انفجار، در کنار نیروهای امدادی، نیروهای خدمات شهری نیز وارد عمل می‌شدند تا نشانه‌های تخریب را از شهر پاک کنند. در تخریب‌های محدود، دیگر رد مشخصی از جنگ باقی نمی‌ماند، اما در ویرانی‌های گسترده، آواربرداری و نظافت خیابان‌ها با سرعت انجام می‌شد. سخنگوی شهردار تهران در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید در فاصله میان دو جنگ، تجهیزات گسترده‌ای برای مدیریت بحران توسط مدیریت شهری خریداری شده است. او توضیح می‌دهد: یکی از این موارد که پیش‌تر نیز اعلام شده بود، خرید تجهیزات امدادی و خدمات شهری است. برای جلوگیری از ایجاد اضطراب در میان شهروندان، این موضوع بیشتر در قالب تجهیزات خدمات شهری مطرح شد. در شهریورماه سال گذشته بیش از چهار هزار میلیارد تومان تجهیزات امدادی، آواربرداری و تجهیزات متناسب با شرایط جنگی و براساس تجربه جنگ ۱۲روزه خریداری شد. او اضافه می‌کند: در حوزه تجهیزات نیز اقدامات لازم انجام شده است، اما بخشی از موضوع به تغییر نگاه در سطح کلان کشور بازمی‌گردد. اکنون که همدلی مناسبی میان دولت و مدیریت شهری شکل گرفته، لازم است برخی اختیارات و وظایف

از سوی دولت و مجموعه حاکمیتی به مدیریت شهری واگذار شود. در اسناد رسمی، نامی از جنگ در فهرست مسئولیت‌های شهرداری‌ها دیده نمی‌شود، اما در عمل در تهران پس از جنگ، بار اصلی مدیریت بر دوش شهرداری قرار گرفت. محمدخانی دراین‌باره می‌گوید: در اسناد مرتبط با شرایط جنگی، سهم مشخص و گسترده‌ای برای شهرداری‌ها در نظر گرفته نشده است، اما شهرداری تهران در تجربه دو جنگ اخیر نشان داد ایده مدیریت واحد شهری و جمعیت اختیارات و مسئولیت‌ها در مدیریت شهری می‌تواند راهگشا و کمک‌کننده باشد.

نقش مردم در مدیریت بحران

سخنگوی شهردار تهران درباره نقش شبکه‌های محلی در زمان جنگ نیز توضیح می‌دهد: بسیاری از اقدامات مورد نیاز در شرایط جنگی توسط شهرداری‌ها و با تکیه بر ظرفیت‌های مردمی قابل انجام است. تقریبا به‌جز بیک، دو مورد، هیچ خدمتی در دوره جنگ ارائه نشد که بدون مشارکت مردم، گروه‌های جهادی، بسیجی، گروه‌های محلی و سایر ظرفیت‌های مردمی انجام شده باشد. او ادامه می‌دهد: تمام اقدامات ما، از اسکان و بازسازی تا برنامه‌های فرهنگی و آموزشی، با کمک مردم انجام شده است.

اکنون نیز در قالب کمیبن «ا هم می‌سازیم» تلاش می‌شود ظرفیت‌های محلی و مردمی احیا و تقویت شود.

جنگ فرسایشی و هزاران مأموریت هم‌زمان

کارشناسان ایمنی معتقدند تهران در فاصله میان دو جنگ، فقط فرصت بازسازی ساختمان‌ها را پیدا نکرد، فرصت بازنگری در شیوه مدیریت بحران را هم به دست آورد. اگر تجربه جنگ نخست وجود نداشت، مدیریت شرایط اضطراری در جنگ دوم با دشواری‌های بسیار بیشتری مواجه می‌شد. فاصله زمانی میان دو جنگ، فرصتی بود برای مرور خطاها، تحلیل عملیات‌های انجام‌شده و اصلاح فرایندهایی که در میدان آژموده شده بودند. همین بازنگری‌ها باعث شد نیروهای امدادی در جنگ دوم با آمادگی، هماهنگی و کارآمدی بیشتری وارد عمل شوند.

جنگ نخست ۱۲ روز طول کشید، اما جنگ دوم نزدیک به ۴۰ روز ادامه داشت. بااین‌حال، افزایش مدت‌زمان درگیری تنها تفاوت دو جنگ نبود؛ حجم مأموریت‌ها نیز به شکل چشمگیری افزایش پیدا کرد. در جنگ اول، ۱۴۲ حادثه مرتبط با جنگ به سازمان آتش‌نشانی گزارش شد، اما در جنگ دوم شمار عملیات‌ها در برخی مقاطع به حدود ۴۰۰ مورد رسید؛ رقمی که از گستردگی و پیچیدگی بیشتر شرایط حکایت داشت. در حوزه امداد و نجات نیز تفاوت عملکردها چشمگیر بود. در جنگ دوم، ۴۲۷ نفر از زیر آوار ساختمان‌های تخریب‌شده یا نیمه‌تخریب‌شده به صورت زنده نجات پیدا کردند؛ آماري که در جنگ نخست حدود ۲۰۰ نفر بود. مقایسه این اعداد نشان می‌دهد توان عملیاتی، سرعت واکنش و سطح هماهنگی نیروهای امدادی در فاصله میان دو جنگ به شکل محسوسی افزایش یافته بود. جنگ دوم اگرچه طولانی‌تر و فرسایشی‌تر بود، اما مدیریت بحران تلاش می‌کرد با تکیه بر ظرفیت‌های موجود شهر، پاسخ‌گوی حجم گسترده مأموریت‌ها باشد. برخلاف جنگ نخست، این بار از نیروهای شهرستانی یا نیروهای بانزشته استفاده نشد و مدیریت عملیات بر حفظ انسجام نیروهای موجود، استفاده بهینه از منابع انسانی و جلوگیری از اختلال در ساختار فرماندهی و امدادسانی متمرکز بود.

محمدخانی نیز با اشاره به تقویت توان عملیاتی آتش‌نشانی

شرق

یادداشت

تهران میان دوترس

تهران، شهری که دوستش دارم، در میانه دو جنگ، این روزها بیش از همیشه برابم معنای دیگری پیدا کرده؛ شهری که هم خاطره است و هم اضطراب، هم زندگی است و هم بیم از دست رفتن. هر بار که از خیابان‌هایش عبور می‌کنم، انکار بار آخری است که آن را می‌بینم؛ با خودم تکرار می‌کنم‌ها هم باز خوشحالم که هنوز می‌توانم این ساختمان را ببینم…

سال‌هاست نگران نابودی این شهرم؛ نه‌فقط فرسایش کالبدی، بلکه فرسایش حافظه. تصمیم‌هایی که زیر عنوان «توسعه» و «مدرن‌سازی» گرفته می‌شوند، گاهی آن قدر بی‌توجه به ریشه‌ها و هویت شهر پیش می‌روند که تهران را میان زمین و آسمان معلق نگه می‌دارند؛ گویی شهر نه برای زیستن، بلکه برای معامله ساخته شده است.

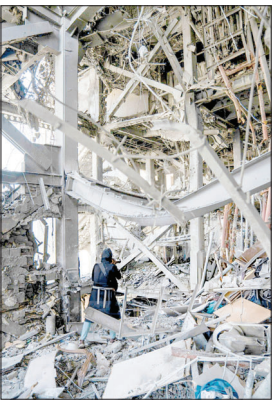
این روزها وقتی از بازار می‌گذرم، مکت‌هایم طولانی‌تر شده است. جلوی ساختمان تخریب‌شده میدان ارگ می‌ایستم و نگاه می‌کنم؛ همان‌جا که روزگاری نشست‌های خبری سخنگوی قوه قضائیه برگزار می‌شد و من در سکوت، از سقف‌های بلند و معماری‌اش لذت می‌بردم. حالا اما آن تصویر در ذهنم مثل یک قاب شکسته تکرار می‌شود. هر بار که از کنار این ویرانه‌ها می‌گذرم، چیزی در درونم فرو می‌ریزد؛ انکار شهر تکه‌تکه از حافظه‌اش جدا می‌شود.

حتی فکرکردن به برخی نشانه‌ها هم دیگر آسان نیست؛ کاخ گلستان، ساختمان سابق موزه ملی قرآن کریم (فرهنگسرای نگارستان)، دفتر مجلس خیرگان رهبری (موزه سابق نگارستان کاخ ملکه مادر شاه)، ساختمان رادیو تهران، انستیتو پاستور، ساختمان نهاد ریاست‌جمهوری (کاخ اختصاصی محل زندگی محمدرضا پهلوی)، عمارت منظریه، برج آزادی و استادیوم ۱۲هزارنفری آزادی، خانه تاریخی وثوق‌الدوله، کاخ فرخ‌آباد، کاخ عشرت‌آباد، کاخ سلطنت‌آباد، کاخ سرخ‌حصار، خانه احمد مصدق، باغ‌موزه قصر (بنای مارکوف)، مسجد اردبیلی‌ها (چال‌حصار)، کلاترئی بازار و …..

هر تصویر از تخریب، برابم مثل خنجرى است که آرام و بی‌صدا در قلب این شهر فرو می‌رود؛ بی‌آنکه کسی صدای آن را بشنود.

آسمان تهران بیشتر روزها خاکستری است و نفس‌کشیدن سخت، اما روزی که انفجار انبار نفت شهران رخ داد، آن سایه‌ی انکار معنای تازه‌ای پیدا کرد و نشان داد بالاتر از سایه‌ها هم هست. من هنوز عاشق قدم‌زدن در خیابان ولیعصر هستم؛ آن درخت‌ها، آن امتداد طولانی، آن حس عبور از تاریخ. اما از روزی که انفجار میدان تجریش را دیدم، چیزی در من تغییر کرد. همان خیابانی که زمانی ساده و روزمره از آن عبور می‌کردم، حالا برابم با نوعی احتیاط و فاصله همراه است. حتی به قیمت نخوردن ماه‌ها از قدیمی‌ترین ساندویچی‌های شهر. ترجیح دادم یک سالی به آن سمت نروم؛ نه از بی‌علاقگی، از نگرانی.

من نگران آینده تهرانم؛ این شهر عزیز و زخمی. نمی‌دانم در این یک سال دقیقا چه تصمیم‌هایی برایش گرفته شده و چقدر از آسمانش فروخته شده برای آبادی ویرانه‌هایش. نمی‌دانم اگر روزی همه چیز دوباره «عادی» شود، آیا تهران هنوز همان شهری خواهد بود که بتوان در آن آرام قدم زد، خارطه ساخت و بدون ترس به آینده فکر کرد….



گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید